خبرها

هلال احمر وام ازدواج می‌دهد

دیروز رئیس سازمان داوطلبان هلال‌احمر در جمع خبرنگاران خبر داد که این سازمان ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای دادن وام ازدواج به جوانان اختصاص داده است. مبلغ این وام یک میلیون تومان است و از ابتدای خردادماه به هر زوج دارای شرایط اختصاص پیدا می‌کند. حسین زاجکانی‌ها صبح دیروز در نشستی که به مناسبت روز هلال‌احمر و داوطلبان برگزار شده گفته است: «طی تفاهم‌نامه‌ای که با بانک ملت به امضا رسیده است مقرر شده است که از ابتدای خردادماه اعتبار ۱۲ میلیارد تومان برای ارائه تسهیلات وام دانشجویی، وام اشتغال و درمان به جوانان تخصیص داده شود.» او از پیشنهاد صدور دفترچه پس انداز «حامیان هلال» به داوطلبان هلال‌احمر خبر داده و گفته: «در حال حاضر ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار داوطلب هلال‌احمر در کشور وجود دارد که تعداد آنها با خانواده‌هایشان حدود ۱۲ میلیون نفر می‌شود که اگر نفری ۱۰ هزار تومان در این حساب پس‌انداز کنند، رقم ۱۲۰ میلیارد تومان می‌شود و اگر ۶۰ درصد این پول به عنوان تسهیلات در اختیار جمعیت هلال احمر قرار گیرد، صرف رفع بسیاری از مشکلات دارویی و درمانی، زنان بی‌سرپرست و غیره می‌شود.»

ادامه سرمقاله

پانزده سال بعد از استبداد مطلق ناصرالدین شاهی که شکل قدرت و حکومت در آن هیچ تفاوتی در عرض هزار سال نکرده بود، آن دموکراسی که بعد از فتح تهران و فرار محمدعلی شاه به سفارت روس حاصل آمد نه که در تاریخ ایران تکرار نشد بلکه هنوز در خاورمیانه رخ نداده و تا سی سال بعدش در بسیاری از کشورهای اروپایی هم به دست نیامده بود. خب اگر دردمان آزادی است که هست، چرا از خود نپرسیم که از چه رو تاب نیاوردیم آن آزادی را که هم انتخابات آزاد آورد، هم مطبوعات آزاد. چرا رقابت‌های سیاسی‌اش به ترور آغشته شد. چرا در آن پانزده سال که چنان آزادی برقرار بود هیچ گلی به سر خود نزدیم. نه دانشگاهی ساخته شد، نه راهی و نه امنیتی. تا باز یکی دیگر چون ناصرالدین شاه رسید. هم مجلس را طویله کرد ـ به قول خودش ـ هم روزنامه‌ها را مداح کرد تا دانشگاه و راه‌آهن بسازد و کارخانه برپا دارد. در ساختن فیلم مستند، ابتدایی‌ترین و هم اثرگذارترین کارها همان است که آقای مسعود ده‌نمکی هم در فیلم فقر و فحشا به کار گرفته است. مونتاژ نردبانی یا پارالل. نشان دادن تکه‌ای از فقر سیاه به دنبالش نمایی از کاخ‌ها و خیابان‌های بالای شهر. باز تکه‌ای از فقر و فحشای سیاه و نمایی از ساختمانی بلند. با متنی در هجو تبعیض. تاریخ واقعی ایران به مونتاژ نردبانی فیلمفارسی‌وار می‌ماند چرا. از این به دان. و روزنامه‌های ما در هر دو وضعیت حسرت‌سرای آن چیزی که نبود. زمانی آزادی و زمانی امنیت و اگر این تاریخ امروز بدان جا رسیده است که کشوری نیستیم عقب‌افتاده و قحطی‌زده و مانند بخش‌های مرکزی آفریقا، از هنر همان دولتمردان است که از آنها بد می‌گوییم. از مقاومت و پایداری مردان صنعت و بخش خصوصی ایران است که با همه بدها که با بخت خود می‌کنیم این همه کارخانه برپاست، ساختمان‌ها بلند است. کارخانه‌هایی داریم که عمرشان به نود می‌رسد ـ مانند کبریت‌سازی‌های تبریز که عمرشان از صد هم گذشته. به باورم در این سرزمین که ما در آنیم و به بی‌عملی و ناپسامانی و قدرشناسی که داریم عجب دارد اگر دکمه را فشار می‌دهی برق روشن می‌شود و شیرآب را که باز می‌کنی هنوز آبی خودرنی از آن بیرون می‌زند. اصلاً استقلال و همین که کمابیش در درون دل گربه‌ای زندگی می‌کنیم که قرن نوزدهم هم پدرانمان در همین محروسه می‌زیستند، اگر سه امپراتوری همسایه‌مان پریشان شده‌اند و ما مانده‌ایم با گربه‌ای که سرش در بحر خزر است و دمش در خلیج فارس و دریای عمان، مدیون آن هزارانیم که به همت دولت‌های کم‌تحمل و حکومت‌های بی‌آینده‌نگری روزنامه‌ای ندارند تا بخوانند و در همین‌ها که هست نقش سازندگان نه به اندازه خراب‌کنندگان و شهیدان است. تازه چند سالی است که داریم به قدرشناسی از سازندگان می‌پردازیم. بارها از خود پرسیدم چرا اولین نشریه‌ای در تاریخ ما که وقتی تعطیل شد هزار نفری به در دفترش آمدند به پایداری و همدردی «جامعه» بود. در جایی ثبت نیست که مردم برای تعطیل هیچ یک از این دو هزار و هشتصد نشریه‌ای که در طول هشتاد سال در ایران پدید آمدند و تعطیل شدند، فغان کرده باشند ـ شاید باختر امروز دکتر فاطمی و در سال‌های اخیر پیام امروز و آدینه را هم بتوان استثنا کرد. مگر اینها چراغداران این جامعه نبوده‌اند. آیا جامعه را غم چراغداران نبود یا نسل‌های گذشته این حرفه نقش چراغداری را به درستی ایفا نکردند و این باری بود که ماند برای همین جنبش اصلاحات که بعضی خشمش را برگزار کرده‌اند و حلوایش را شادمانه پخته‌اند. اگر کار روزنامه‌نگاران چراغداری و انداختن نوری است به تاریک‌جاهای جامعه، که هست، اول به گمانم نوری باید که جلو پای ما را روشن کند. ناگزیریم از پذیرش این واقعیت تلخ که روزنامه‌نگاری ایران در همان تنفس‌های تاریخی که مجال یافت آن نقش را که باید بر سرنوشت این مرز و بوم نزد. همین اندازه که در همین دوران پردردسر اصلاحات زده شد. هنگام ساخته شدن همین میزان ساخته‌ها که داریم روزنامه‌نگاری ایران کجا بوده است. هفتاد و چند میلیونیم، جامعه‌ای جوان و در عطش دانستن، چگونه است که هنوز می‌تواند بی‌آزادی بیان و بی‌مطبوعه مستقل و آزاد روزگار بگذراند. چطور است که هنوز جای خالی روزنامه‌نگاری مستقل چنان پیدا نیست که نبودشان جامعه را از کار روزانه بازدارد. شانزده روز تعطیل نوروزی را چگونه جامعه بی‌ما سر می‌کند. لابد جایی از کار لنگی دارد. پاسخش یک کلمه نیست. به باورم دلیلش هم در همان یکی که همه در آستین داریم نیست. کمی طولانی‌تر و پیچیده‌تر می‌نماید داستان پراشک ما. ورنه این غمنامه‌ای که با یاد آن «شمع مرده» میرزا جهانگیرخان ابتدا می‌شود، همچنان می‌تواند اشک برانگیزد و مظلومیت تاریخی اهل قلم را نشانه زند. اما چه کنم که من صدای بلبل را خوش ندارم. اما صدای نسل جوان روزنامه‌نگاری ایران را خوش دارم که سبقه‌ای نداشت، در دل جنبش اصلاحات متولد شد و چنان کرد که به سالیان دیگر به هرگونه که تاریخ این دوران را بنویسند بی‌شرحی از احوال روزنامه‌ها و روزنامه‌نگارانش نمی‌توانند نوشت و چنان کرد که فرهیختگان، فن‌سالاران و سازندگان این روزگار، در صفحات روزنامه‌ها نمایان شدند و درد دل گفتند. به همین نشانه‌ها می‌توانم گفت باش تا صبح دولت این نسل بدمد.

گفت‌وگو با زهرا شجاعی در مورد تحقیق و تفحص مجلس از مرکز امور مشارکت زنان

اتهام بود

ثمانه قدرخان

مجلس هفتم که آمد انتقاد از دولت خاتمی را در دستور کار خود قرار داد و تا توانست از قوای نظارتی خود بهره برد. این پشتکار اول از همه گریبان مرکز امور مشارکت زنان را گرفته است و حالا طرح تحقیق و تفحص از مرکز به مراجع قضایی ارجاع داده شده است. زهرا شجاعی در اتاق کوچک خود در دانشگاه تهران که روزی اتاق رئیس مرکز امور مشارکت زنان دولت خاتمی بود و امروز اتاق یکی از اساتید دانشگاه تهران محسوب می‌شود، خیلی آرام گزارش مجلس را ورق می‌زند و با لبخند به بخش‌هایی از آن پاسخ می‌دهد. زهرا شجاعی می‌گوید: «کسانی که به عنوان کارشناسان مجلس برای تحقیق و تفحص به مرکز آمدند دو نفر بودند که یکی از آنها معلم قرآن بود و دیگری گفت لزومی نیست بگوید چه شغلی دارد.» و «یک‌بار هم دو نفر آقا از سوی خانم عشرت شایق به مرکز آمدند تا پرونده‌های مرکز را بررسی کنند.» و با تعجب شروع می‌کند که: بحث زنان این‌قدر در کشور ما جدی شده و مهم تلقی می‌شود که نمایندگان مجلس عملکرد سازمان‌هایی را که به امور زنان می‌پردازند مورد تحقیق و تفحص قرار می‌دهند. جای خوشحالی دارد که در مجموع تحقیق و تفحص‌هایی که مجلس هفتم از دولت هشتم داشت به حدی بود که نه فقط تحقیق و تفحص بلکه مجلس هفتم از ابزارهای نظارتی خودش در همان دوران کوتاهی که بر سر کار آمد یعنی در زمان کوتاه مشترکی که با دولت هشتم داشت حداکثر استفاده و بهره‌برداری را کرد. یعنی تعداد سئوالات، تذکرات و حتی استیضاح‌هایی که از دولت انجام شد آنقدر زیاد شد که مقام معظم رهبری به ناچار وارد مسئله شدند و در اواخر دولت هشتم به نمایندگان تذکر دادند که در پایان وقت باقی‌مانده بگذارید دولت کارش را انجام دهد و فعلاً مصلحت نیست شما بپردازید که بحث استیضاح وزیر آموزش و پرورش متوقف شد. به‌رغم توصیه داهیانه رهبری برای استفاده از این ابزار و استفاده از این حق زمان عنصر مهمی است. متاسفانه نمایندگان تحقیق و تفحص را مثل تیمم بدل از وضو در واقع تحقیق و تفحص را هم بدل از استیضاح انجام دادند و از جمله سازمان‌ها و دستگاه‌هایی که تحقیق و تفحص از آنها تصویب شد این مرکز بود که با جدیت زیاد و اهتمام فراوان انجام شد و شاید اولین گزارشی است که از دولت هشتم در مجلس قرائت می‌شود. نمایندگان اصرار داشتند که این کار اصلاً جنبه سیاسی ندارد و صرفاً استفاده از حق قانونی و استفاده از وظیفه نظارتی مجلس است اما با مراجعه به گزارش و دقت نظر در فصول و بند بند و بخش‌های مختلف باید مقداری در آن اظهارنظر تامل کرد. این گزارش را می‌توان در چند بخش تقسیم کرد که بخشی از گزارش به مسائل بسیار کلی، مبهم، نارسا و غیرقابل اندازه‌گیری پرداخته و مثلاً مرکز را متهم کرده که راجع به حاکم‌کردن بینش توحیدی در جهت تحقق اهداف ناب اسلامی و ترویج فرهنگ عفاف یا تحکیم بنیان خانواده کاری انجام نداده‌ایم. به‌نظر می‌رسد اثبات این مسئله که با چه وسیله سنجشی این اندازه‌گیری انجام شده که به‌طور مثال در قبل از شروع کار مرکز سطح بینش توحیدی جامعه چقدر بوده و پس از هشت‌سال چقدر شده است مضاف بر اینکه آیا مجموعه وظایف و تکالیفی را که کل نظام جمهوری اسلامی دارد یا دستگاه‌های فرهنگ‌سازی کشور دارند می‌توان از یک دستگاه یا تشکیلات خاص انتظار داشت و خود مورد اساسی است.

■ گزارش ارائه شده توسط مجلس تا چه حد کارشناسی است و در حدود وظایف و فعالیت‌های مرکز امور مشارکت زنان تهیه شده است؟

گزارش دهندگان از حد گزارش پا را فراتر گذاشته‌اند و در مقام قاضی یا دادگاه به صدور حکم پرداختند و به‌نظر می‌رسد خود این موضوع نوعی تخطی و خلاف وظیفه قانونی آنها باشد. گزارش باید صرفاً بیان یک سری مسائل و واقعیت‌ها باشد و این مراجع قضایی یا حقوقی هستند که از بیان اینکه تبانی در معاملات شده، تصرف غیرقانونی در اموال شده، اسراف و تبذیر در بیت‌المال صورت گرفته خبر می‌دهند. قرار گرفتن در جای قاضی یا صدور حکم خلاف مشی گزارش‌نویسی محسوب می‌شود. تهیه‌کنندگان گزارش یا نخواستند یا نتوانستند به مجموعه فعالیت‌ها و عملکرد هشت‌ساله یک تشکیلات با یک نگاه همه‌جانبه و جامع نگاه کنند و از بسیاری از فعالیت‌هایی که در راستای اهداف نظام و بینش توحیدی و فرهنگ مبارزه با تهمت‌ها و غیره هست غفلت کردند یعنی استناد به یک یا دو مورد جزیی.

■ در بخشی از گزارش به سرفهای اعضای مرکز امور مشارکت زنان اشاره شده است که سر و صدای بسیاری در باب سوءاستفاده از بودجه مرکز برای سفرهای خارج ایجاد کرد.

تمام سفرهایی که انجام می‌شد با صدور مجوز رسمی از هیات پنج نفره صورت می‌گرفت و سفرهایی که شخص خودم انجام می‌دادم با کسب مجوز رسمی از سوی ریاست جمهوری بوده است. در بخشی از گزارش اشاره به مواردی شده که هیچ‌گونه ارتباط سازمانی، اداری و تشکیلاتی با مرکز مشارکت امور زنان ندارد. مثلاً در اجلاس جنوب، جنوب که مرکز برگزارکننده نبوده نه حمایت کرده، نه شرکت کرده و من حتی به عنوان سخنران یا مدعو هم در این اجلاس حضور نداشتم، یعنی به دلیل ضعف بنیه کارشناسی، نیروهای تهیه‌کننده گزارش، تفکیک بین اجلاس دولتی و غیردولتی که در بانکوک انجام گرفته که یکی در تیرماه بوده و یکی در شهریور و به دلیل ماهیت و شرکت‌کنندگان آن و مسئولیت و حوزه نفوذ اجلاس که کاملاً دو اجلاس با هم متفاوت است را تشخیص ندادند و سخنرانی یک عضو سازمان غیردولتی را ملاک بررسی خود قرار دادند. این اجلاس هیچ ارتباطی با مرکز نداشته به جز اینکه اجلاس مربوط به زنان بوده و ما هم در رابطه با زنان کار می‌کنیم.

■ در جایی از گزارش به یک متن آموزشی اشاره شده است، داستان این متن چه بوده است؟

بله، این متن آموزشی در جلسه‌ای به‌عنوان یک مرحله از فرآیند کار در کارگاه آموزشی قرار بود اصلاح شود و متناسب با فرهنگ ما ارائه شود و مواردی که خلاف فرهنگ ما، خلاف قانون اساسی و شئونات اسلامی است، را مورد استناد خود قرار داده‌اند و به کلمات و واژه‌های حساسیت‌برانگیز در آن مثل روسپی‌گری، روابط نامشروع، سقط جنین و غیره اتکا کرده‌اند. به نظر نمی‌آید که این گزارش از انصاف برخوردار بود، مضاف بر اینکه ذیل همین مطالب اشاره می‌کنند که این متن اصلاح شده و تغییر کرده و بعد مورد استفاده قرار گرفته است. و مثل این است که بخواهند به پیش‌نویس انشایی نمره بدهند. موضوع زنان در کشور ما به خصوص در هشت سال اخیر به‌عنوان یک رشته علمی و رویکرد علمی دولت و نظام جمهوری اسلامی در یک مرحله فرآیند رشد یافته تلقی شد و مورد توجه قرار گرفت. ایجاد رشته مطالعه زنان در دانشگاه‌ها، توسعه مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی در حوزه زنان و انتشار کتب و نشریات مختلف در حوزه زنان نشان‌دهنده این است که یک نگاه و نگرش علمی و رویکرد علمی نسبت به زنان در کشور ایجاد شده.

■ چه کسانی این گزارش را تهیه کرده‌اند، خود نمایندگان مجلس یا کارشناسانی که نماینده آنها محسوب می‌شوند؟

آن طوری که ما دیدیم، متاسفانه خود نمایندگان مجلس وقت زیادی نگذاشته‌اند و حداقل در جلساتی که با ما در این مورد داشتند کارشناسانی دعوت شده بودند که نه تنها متخصص به زنان و امور زنان نبودند چرا که من معتقدم در بحث زنان تخصص لازم است، بلکه خیلی مسائل برنامه‌ریزی و سیاستگزاری و اطلاعات پایه و اولیه که در رابطه با هر تشکیلات وجود دارد را فاقد بودند.

■ این کارشناسان جلساتی را هم با شما گذرانده‌اند یا فقط به روش تحقیق میدانی عمل کردند؟

ما جلساتی داشتیم و بخش زیادی از جلساتی که ما با این کارشناسان داشتیم به این موضوع اختصاص پیدا می‌کرد که ما باید ابتدا یک سری آموزش‌های ابتدایی به آنها می‌دادیم که سازمان غیردولتی یا NGO که می‌گوییم یعنی چه؟ مفهوم غیرانتفاعی چیست، فرق NGO با حزب چیست و بعد توضیح می‌دادیم که به چه دلیل این کارها را انجام داده‌ایم. روشی که این افراد در به‌کارگیری و تهیه گزارش استفاده می‌کردند روش بسیار بسیار پرهزینه‌ای بود هم به لحاظ مدیریتی و هم به لحاظ اقتصادی. برای مثال یک دفعه کپی کامل فیلم‌هایی که طی ۸ سال فعالیت مرکز مشارکت زنان در اجلاس‌ها و برنامه‌ها تهیه شده بود را درخواست می‌کردند چون اصل فیلم را که ما نمی‌توانستیم به آنها بدهیم و مجبور بودیم یک کپی کامل از همه فیلم‌ها به آنها ارائه دهیم. یا مثلاً یک‌بار فهرست کامل فیش‌های حقوقی تمام کارکنان مرکز را از سال ۷۶ خواسته بودند، تهیه گزارش برای تحقیق و تفحص باید از یک روش علمی برخوردار باشد که به صورت نمونه و موردی آنها را دریافت کنند و بتوانند از آن فرائن استفاده کنند.

■ در ابتدای گزارش اشاره شده است که مرکز مشارکت زنان فاقد قانون تشکیل بوده و عملاً هیچ گونه هدف یا وظیفه‌ای توسط قانونگذار به او محول نشده و آغاز فعالیت قانونی مرکز تصویب قانون برنامه سوم توسعه است. این شروع برای گزارش کارشناسی نشده است؟

این استناد در حالی است که ما معتقدیم براساس اختیارات موضوع اصل ۱۰۶ قانون اساسی هر رئیس جمهوری می‌تواند اقدام به تاسیس تشکیلات یا نهادهایی در حوزه نهاد ریاست‌جمهوری و دفتر خودش نماید. بنابراین تاسیس مرکز امور زنان که در ابتدا با عنوان دفتر امور زنان در زمان آقای رفسنجانی ایجاد شده بود، دارای جایگاه قانونی است و با حکم رئیس جمهور ایجاد شده است.

■ در جای جای گزارش تحقیق و تفحص مجلس از مرکز مشارکت زنان به‌عنوان یک نهاد مستقل نام برده شده. آیا مرکز از ریاست‌جمهوری مستقل شده بود و ردیف بودجه جدا داشت؟

مرکز یک نهاد مستقل نبوده است. مرکز یک جزء دستگاه‌های تابعه نهاد ریاست‌جمهوری بوده است، بنابراین دارای ردیف بودجه فرعی است و ذیل ردیف‌های بودجه نهاد ریاست‌جمهوری به فعالیت و کار و تلاش می‌پرداخته است. کلیه اختیارات مرکز براساس مصوبه شماره ۱۷۱۸۷/۱/۲۰ مورخ ۷۶/۱۲/۶ که ماموریت، اهداف، شرح وظایف و نمودار سازمانی به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی وقت رسید. در واقع جایگاه سازمانی، وظایف و اختیارات آن به صورت کامل مشخص شده. در شرح وظایف مرکز که مصوبه سازمان مدیریت استخدامی بوده بسیاری از فعالیت‌هایی که در بخش‌های مختلف این گزارش مورد اعتراض قرار گرفته و مورد نقد بود آنجا ذکر شده است. ظاهراً دوستان مراجعه‌ای به این شرح وظایف نکرده‌اند، بنابراین اقدامات ما برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی، انتشار کتاب‌ها، برگزاری همایش‌ها و تمام فعالیت‌هایی که جنبه فرهنگی دارد، مستند به قانون بوده و در شرح وظایف مرکز بوده است که ما انجام داده‌ایم.

برداشت‌هایی که از ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه شده است با اشاراتی که در ارتباط با عدم مجوز پرداخت به سازمان‌های غیردولتی شده است ظاهراً چطور ممکن است که از سال ۷۹ تاکنون این تعداد موافقتنامه امضا شده و دستگاه‌های نظارتی مثل دیوان محاسبات و ذی‌حسابی که در نهاد ریاست جمهوری حضور دارد هیچ‌کدام متوجه نشده‌اند که این کارهای خلاف بین قانونی انجام شده و هیچ سیستم و مکانیسم نظارتی وجود نداشته است؟ این ضعف قوه کارشناسی و عدم شناخت نسبت به مناسبات، روابط، ضوابط و قوانین و مقررات موجب شده که چنین اظهارنظرهایی صورت بگیرد. مثلاً موارد دیگری که از همین ضعف کارشناسی ناشی می‌شود این است که تفاوتی بین نامه و بیانیه قائل نیستند. مرکز امور مشارکت زنان به مناسبت انتخاب خانم شیرین عبادی به عنوان برنده جایزه صلح نوبل بیانیه‌ای را از سوی روابط عمومی مرکز منتشر می‌کند که به آن عنوان نامه داده‌اند.

■ نکته مهمی که در این گزارش به آن اشاره شده مسئله کنوانسیون است که جا دارد در مورد آن توضیح دهید، چون فعالان زنان همیشه این نقد را بر شما داشتند که در این مورد کاری انجام ندادید.

براساس تشخیصی که مرکز در ارتباط با الحاق به کنوانسیون داشت و شناخت و آگاهی‌ای که نسبت به محتوای کنوانسیون و مکانیسم‌های قانونی که برای حفظ و پافشاری بر قوانین و مقررات داخلی داشت یعنی حق تحفظ ما معتقد بودیم دولت جمهوری اسلامی باید به کنوانسیون رفع همه‌گونه اشکال تبعیض علیه زنان یا «سیلا» ملحق شود. بنابراین بسیار آرام، منطقی و با یک حرکت علمی سعی کردیم این مقدمات را فراهم کنیم حتی در تحفظ، تحفظ موردی را پیشنهاد داده بودیم که مثلاً بندهایی که مغایر اسلام هستند. در جلسه دولت، آقای رئیس جمهور به خاطر محکم‌کاری گفتند بندها را ذکر نکنید چون ممکن است دیگران با برداشت‌های جداگانه بندهای دیگری هم به آن اضافه کنند و لذا گفتند تحفظ کلی را نسبت به این کنوانسیون داشته باشیم که در جلسه دولت تصویب شد و در مجلس ششم ارائه شد و در کمیسیون فرهنگی مجلس ششم تصویب شد و در صحن علنی به دلایلی مسکوت ماند و مجدداً تصویب شد و به شورای نگهبان ارجاع شد که اظهارنظر شورای محترم نگهبان در مورد این کنوانسیون این بود که موارد مغایر با شرع اسلام در این کنوانسیون را به طور مشخص تعیین کنید، نگفتند کنوانسیون مغایر شرع یا اسلام است. مضاف بر همه این حرف‌ها وقتی کار به این مرحله رسید بعضی از علما و مراجع نسبت به این موضوع اظهارنظر کردند که من البته فکر می‌کنم اگر مقداری همه جوانب امر و مقتضیات زمان در مورد این کنوانسیون بیان می‌شد و فرصت داده می‌شد که توضیحات کافی داده شود که منجر می‌شد نظرات در مورد کنوانسیون به صورت مثبت تغییر کند ما نظرات مراجع را به صورت فصل‌الخطاب این موضوع قرار می‌دادیم بعد از اظهارنظر مراجع بنده حتی یک بار در مورد کنوانسیون مصاحبه نکردم. این جزء افتخارات، شرح وظایف، مسئولیت‌ها و مواردی است که ما در رد برخی از بخش‌های گزارش به آن استناد می‌کنیم که به علما نامه نوشتیم و مسائل را برای آنها مطرح کردیم. این حاکی از پایبندی ما به اصول و ارزش‌های اسلامی است که مرتب با علما ارتباط داشتیم.

■ بخشی از تحقیق و تفحص به «۱۲ حوزه نگران‌کننده مربوط به گزارش ملی» اشاره کرده است. این موارد چه مواردی را در پی داشته است؟ و شما چه تغییراتی در گزارش پکن داده‌اید؟

۱۲ حوزه نگران‌کننده مربوط به گزارش ملی را ما تصویب نکردیم، بلکه این ۱۲ مورد در اجلاس جهانی زن در پکن در سال ۱۳۷۴ به تصویب رسید و چارچوب گزارش توسط سازمان ملل به همه کشورها ارسال شد و درخواست کرد تا گزارش کشورها بر همین اساس تهیه شود. به شدت تکذیب می‌کنم، کذب محض و اتهام است که ما تغییراتی را در گزارش ملی و متن تهیه شده داده‌ایم. این از موارد خلاف و کذب است که در گزارش مجلس آمده است و متاسفانه کم نیست اینگونه خلاف‌ها در جای‌جای گزارش مجلس.

■ در گزارش مجلس اشاره‌ای شده است به گزارش سازمان بازرسی کل کشور. این سازمان تخلفی از شما تقدیم مجلس کرده است؟

من تقاضا می‌کنم کارشناسان، صاحب‌نظران یا دستگاه‌ها و مراجع قضایی که می‌خواهند بررسی کنند متن کامل گزارش سازمان بازرسی کل کشور را مورد توجه قرار دهند. خوشبختانه یکی از دستگاه‌هایی که عملکرد آن از سوی سازمان بازرسی کل کشور مثبت و صحیح ارزیابی شد مرکز مشارکت امور زنان بود.

■ در ارتباط با فعالیت‌های بخش بین‌الملل مرکز از شما انتقاد کرده‌اند که فعالیت چشمگیری نداشته‌اید و عملکرد شما ضعیف محاسبه شده است.

مسائل بین‌الملل زنان برای ما از اولویت دوم برخوردار بود. ما سازمان و تشکیلات ستادی بودیم که باید با نگاهی به مسائل جهانی و حوزه بین‌الملل به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات زنان می‌پرداختیم. ما از مسائل بین‌الملل غفلت نداشتیم، اتفاقاً یکی از افتخارات ما کوششی است که در جهت شناساندن چهره زنان ایرانی در رابطه با پیشرفت‌های آنان در جهان داشته‌ایم. ما معتقدیم در مقایسه با امکاناتی که در اختیار داشتیم بیش از حد توان و ظرفیت خودمان در حوزه بین‌الملل کار کرده‌ایم.

ترافیک نمایشگاه تهران را به هم ریخت

گروه اجتماعی: راه‌بندان‌های برگزاری نوزدهمین دوره نمایشگاه کتاب و مطبوعات تا شعاع گسترده‌ای از حواشی نمایشگاه بین‌المللی گسترش یافته است. بسیاری از محورهای ارتباطی با بزرگراه چمران و مدرس اعم از جردن، ولیعصر و نیایش متاثر از این راه‌بندان‌ها ظرف چند روز اخیر ترافیک‌های گسترده‌ای را از سر می‌گذرانند. در اولین واکنش نسبت به این موضوع که نسبت به سال گذشته به صورت محسوسی افزایش یافته است شایعه تعطیلی زودهنگام نمایشگاه منتشر شد که با وجود تکذیب مسئولان برگزاری همچنان دهان به دهان می‌چرخد. در این رابطه حتی گفته شد که مراسم اختتامیه این نمایشگاه نیز روز شنبه برگزار خواهد شد. اما در این رابطه فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی هم گفت: «این خبر صحت ندارد.» وی با بیان اینکه اوج ترافیک فقط روزهای پنجشنبه و جمعه بود تصریح کرد: «این اتفاق پارسال هم افتاده بود و دلیل آن تعطیلی و همچنین مسافرت شهرستانی‌ها به تهران بود.» سردار ساجدی‌نیا اظهار کرد: «با این وجود بقیه روزها از ترافیکی قابل قبول برای مواقع برگزاری نمایشگاه برخوردار بودیم.» وی با بیان اینکه ۲۰۰ تن از نیروهای پلیس به صورت مستمر تامین نظم را در حوالی نمایشگاه برعهده گرفته‌اند، تاکید کرد: «با این حال توجه کنید تا زمانی که نمایشگاه در این محدوده برگزار می‌شود اینچنین ترافیکی وجود خواهد داشت.» ساجدی‌نیا گفت: یازده ماه و ۱۸ روز از بحث ترافیک در این منطقه خبری نیست اما یک باره و به واسطه برگزاری نمایشگاه این موضوع تیتر همه رسانه‌ها می‌شود حال آنکه باید یک فکر ریشه‌ای برای این موضوع کنیم و آقایان به هنگام تصمیم‌گیری برای برگزاری نمایشگاه به پیامدهای آن نیز فکر کنند.

یادداشت

یک قانون برای غیر متخصصین

مسعود خیراتی*

اواخر مردادماه سال گذشته و در آستانه روز داروساز حکمی از طرف دیوان عدالت اداری صادر شد که متعاقب آن از شروع سال تحصیلی جدید، اعتراضات بسیاری در دانشکده‌های داروسازی کشور برانگیخته شد و دانشجویان از حضور در کلاس‌های درس خودداری کرده و در دانشکده‌های خود دست به تحصن زدند. مضمون این حکم بدین صورت بود که طبق قانون هر کسی این حق را دارد که اقدام به تاسیس داروخانه نماید، لذا آیین‌نامه پیشین داروخانه‌ها ـ که البته خود نیز خالی از اشکال نبود و از همین رو مشکلاتی را در سال‌های پیشتر از جمله سال ۶۷ و نیز ۸۳ به وجود آورده و اعتراضات دانشجویان را باعث شده بود ـ ملغی اعلام شد و معاونت دارو و غذای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شد آیین‌نامه جدید را منطبق بر حکم دیوان عدالت اداری تدوین و ابلاغ کند. این نوشتار سعی بر آن دارد تا به طور اجمالی به بررسی مشکلات به وجود آمده، علل و تبعات آن پرداخته و در پایان به ارائه راه‌حلی جهت برطرف کردن این مشکل بپردازد. قانون مربوط به امور دارویی، خوراکی و آشامیدنی که مشکلات به وجود آمده از آن منشاء گرفته است مصوب سال ۱۳۳۴ است. در زمان تصویب این قانون تعداد داروسازان تحصیلکرده در کشور تعداد انگشت‌شماری بوده و به فراخور شرایط آن زمان، این قانون از تصویب مجلس گذشته است. با همه این اوصاف در هیچ‌کدام از بندهای قانون مذکور به صراحت یا حتی به صورت ضمنی ذکر نشده است که افراد غیرداروساز نیز مجاز به تاسیس داروخانه هستند. تنها در بند ۱ این قانون است که داروخانه جزء موسسات طبقه‌بندی شده است و از همین جا است که با کنار هم قرار دادن این قانون و قانون موسسات که ذکر می‌کند که هر شخص حقیقی می‌تواند اقدام به تاسیس موسسه کند، نتیجه‌گیری شده که هر فرد حقیقی مجاز به تاسیس داروخانه است و به اصطلاح صلاحیت تاسیس داروخانه عام است. از طرف دیگر برخی از موافقان حکم مذکور استدلال می‌کنند که طبق قانون اساسی کشورمان سرمایه‌گذاری آزاد است. با پیگیری‌هایی که دانشجویان داروسازی انجام دادند، سرانجام طرح اصلاحیه‌ای بر قانون مصوب ۱۳۳۴ در کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی و با همکاری معاونت دارو و غذای وزارت بهداشت تهیه شد و یک فوریت آن در پاییز سال گذشته از تصویب نمایندگان مجلس گذشت. دانشجویان داروسازی به برخی از قسمت‌های طرح مذکور اعتراض داشتند و با پیگیری‌های مجدد آنها و استدلالات قوی ارائه شده از سوی آنان، قسمت‌های مذکور اصلاح شد، ولی متاسفانه این طرح یک فوریتی که می‌بایست با فوریت در مجلس مطرح می‌شد، مدت زیادی است به ورطه فراموشی سپرده شده است. در صورتی که این طرح به تصویب برسد و اصلاح شود، حکم دیوان عدالت اداری نیز کان لم یکن خواهد شد ولی متاسفانه هم‌اکنون چون اصلاح قانون صورت نپذیرفته است، حکم دیوان اجرا شده و آیین‌نامه جدید طبق آن تدوین و ابلاغ شده و در آن به افراد گوناگون اجازه تاسیس داروخانه داده شده است. صدور و اجرای این حکم را از چندین جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی از منظر قانونی مسئله، دوم از جنبه تاثیر آن بر سلامت بیماران و سوم تبعاتی که متوجه رشته و حرفه داروسازی خواهد کرد. اگر از منظر قانونی به این مسئله بنگریم مشخص است که اولاً آزاد بودن سرمایه‌گذاری در قانون اساسی هرگز بدین معنا نیست که هر کسی کاملاً آزادانه بتواند در هر زمینه‌ای سرمایه‌گذاری کند. مثلاً دایر کردن مطب در صلاحیت هر فردی نیست و اینگونه نیست که هر کسی بتواند اقدام به تاسیس مطب کرده و سپس یک پزشک را به استخدام درآورد. حتی در مورد داروخانه‌های دامپزشکی نیز هر شخصی این حق را ندارد و تنها دامپزشک است که می‌تواند اقدام به تاسیس این داروخانه‌ها کند. در مورد قانون مصوب ۱۳۳۴ نیز همان‌گونه که پیشتر ذکر آن رفت هیچ گونه اشاره‌ای چه مستقیم و چه غیرمستقیم مبنی بر تاسیس داروخانه توسط غیرداروسازان نشده است و حتی مواردی همچون آزمایشگاه، موسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی که همچون داروخانه در بند ۱ این قانون جزء موسسات طبقه‌بندی شده‌اند، برای تاسیس نیاز به صلاحیت علمی و تخصصی دارند و صلاحیت تاسیس آنها عام نیست. از جنبه تاثیر واگذاری داروخانه به افراد غیرداروساز بر سلامت بیماران: جدا کردن مسئولیت اجرایی از مسئولیت علمی و فنی در یک داروخانه خطرآفرین خواهد بود، این مسئله زمانی بیشتر روی می‌نمایاند که دیدگاه‌های علمی مسئول فنی داروخانه با منافع مالی فرد موسس با هم در تضاد قرار گیرد و سنتزی که از این کنش شکل خواهد گرفت، چیزی جز ضربه به سلامت بیمار نخواهد بود. از جنبه تبعاتی که صدور این حکم و اجرای آن بر جایگاه و منزلت رشته داروسازی خواهد داشت: واگذاری داروخانه به غیرداروسازان سبب خواهد شد که داروساز به استخدام فردی در بیاید که هیچ درک صحیحی از دارو و نقش پراهمیت و کلیدی آن در پروسه درمان ندارد و لذا می‌بایست یا خواسته‌های فرد موسس ـ که در خیلی از موارد می‌تواند در تعارض و تضاد با سلامت بیمار باشد ـ را قبول کند و یا اینکه در صورت مخالفت با انجام کاری که به لحاظ علمی و با توجه به سوگندنامه داروسازی صحیح نمی‌داند، باید شغل خود را از دست داده و به دنبال داروخانه‌ای دیگر برای استخدام شدن بگردد. مسئله دیگری که در زمینه بروز چنین مشکلاتی حائز اهمیت است، میزان شناخت رشته و حرفه داروسازی در جامعه است. متاسفانه بسیاری از افراد جامعه به داروخانه صرفاً به عنوان محلی برای تهیه دارو می‌نگرند و اینکه داروخانه علاوه بر تهیه دارو، به عنوان محلی برای ارائه مشاوره دارویی، بررسی مشکلات و تداخلات احتمالی در نسخ و . . . است، در ذهنیت آنان جایگاه چندانی ندارد. متاسفانه این دیدگاه در بین برخی از متولیان مرتبط با مقوله دارو و داروخانه‌ها نیز وجود داشته و دارد و از همین روست که شاهد صدور و اجرای چنین احکامی هستیم. البته